

## گل و خار

(۲۶ مارچ ۲۰۰۹)

باز به گوشم سخن ها ، از سوی اغیار می رسد  
 نیش زبان زنده تر، از نیش مار می رسد  
 بستَر غبار بد نگری ز قلب خویش  
 ورنه به جانت ، آسیب ز روزگار می رسد  
 رُخ ات به آئینه نگر ، مشو آئینه دیگران  
 نظر نما به عیب خویش ، به بی شمار می رسد  
 کنگینه کی شود مینا ، هر چند منقوش کنی (\*)  
 گرچه خارِ خشکِ دشت ، بر سر دیوار می رسد (\*\*)  
 خصلت خویش نگهدارد خار در کنار گل  
 دست سویس دراز کنی ، به انگشتت خار می رسد  
 بلند نگهدار همت ات ، در اُفت زندگی  
 مدام به گوشم این سخن ، از بزرگوار می رسد  
 حیف است اگر خرموره را زیب دستت کنی  
 از یاقوت و لعل و زمرد ، شکوه هزار می رسد  
 ناجنس کجا گردد جدا ، از اصل و هم نوع خویش  
 کرگس به کرگس زاغ به زاغ گفتار به گفتار می رسد  
 خون دمید بر رخ دشت ز سرخی رنگِ لاله ها  
 اشک ثمر بخش بهار به سبزه زار می رسد

بلند نگهدار سرت ، از میهن ات بنما دفاع  
 ورنه دوران بردگی ز استعمار می رسد  
 عاقبت می رسند خائنین ، به کیفر کردار شان  
 گر زود تر آید یا دیر تر ، روزی شمار می رسد

\* \* \* \* \*

(\*)-کنگینه : در فصل برداشت انگور که مصادف است باماه هفتم سال ، باغداران کشور برای اینکه بتوانند انگور را از آسیب سرمای شدید زمستان حفظ نمایند، از گل خام ، دو دانه تابه ای کاسه مانند، به اندازه بیشتر از یک وجب می سازند. بعد از خشک شدن تابه های گلی ، چند خوشه انگور را در میان تابه اولی جای داده، بردور لب آن اندک گل نرم گذاشته، تابه دومی را بروی آن قرار می دهند. بعداً با گل آبیگین دور آنرا می مالند. بدین گونه انگور از گزند سرمای شدید زمستان محفوظ می ماند. بعضاً باغداران و میوه فروشان کنگینه را به مشتریان هم عرضه می نمایند. مردم در همین زمینه مثلی دارند : « مُرد مینا ها، که سر کشید کنگینه ها». مراد از آن، مقایسه افراد نابکار، نافهم ؛ پرمدها و خودنما و جاه طلب است که زنده اند، با اشخاص بافهم، کاردان، با تجربه و فروتن و فداکار (چه در صحنه سیاست و چه در امور اجتماعی) که به گونه ای از کار برکنار ساخته شده اند و یا زندانی یا اعدام شده و یا به مرگ طبیعی در گذشته اند، رقابت و هم چشمی می نمایند . یکی ، یعنی کنگینه (که از گلی نارس و دنی در کمترین مدت و به سادگی شکل گرفته، انگور با هسته و پوست و برگش را در خود جای داده )، خودش را در همچشمی و رقابت با دیگری ؛ یعنی با مینا (که با دست استاد کار، مواد نخستینش در کوره آتش به قوام و مراحل عالی رسیده، تنگ بلور پر درخشش و شفاف گشته، آب تخمیر شده انگور که انبیب دیده، باده گوارا و آتشگون شده، سُکر و آرامشی بخشیده به نوشنده و...) قرار می دهد؛ بسان مقایسه دست نشاندگانی مثل ببرک و کرزی با میرویس نیکه و شاه امان الله خان!

(\*\*)- در همین رابطه شاعری چنین سروده :

"من از خار سر دیوار ، این نکته دانستم"

که ناکس کس نگردد به این بالا نشستن ها "